

تأثیر مبانی فلسفی بر نظام اقتصادی اسلام از دیدگاه امام علی^۷

احمدعلی یوسفی^۲

چکیده

جهانبینی حاکم بر رفتار اقتصادی، فلسفه نظام اقتصادی است. مقصود از نظام اقتصادی، مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری است که شرکت‌کنندگان در نظام را به یک‌دیگر و به اموال و منابع پیوند می‌دهد، و در مسیر اهدافی معین، به‌نحو هماهنگ، برای کسب بیش‌ترین کامیابی اقتصادی سامان می‌یابد. در فلسفه اقتصاد، رابطه خدا با جهان طبیعت، در رابطه خالقیت، ربوبیت، مالکیت، احاطه و سلطه و قیومیت آشکار می‌شود. رابطه خدا با انسان نیز در دو وجه هدایت و رزاقیت تجلی می‌یابد. در جهان‌شناسی از دیدگاه علی^۷ جهان بی‌هدف و بیهوده آفریده نشده، و حرکت هستی به سمت خدا است. همه‌چیز برای انسان آفریده شده، و خداوند مالک خزائن غیبی است. دنیا محل آزمایش، و هستی، دارای نظام علی و معلولی است. این دیدگاه، رفتارهای اقتصادی متفاوتی را پدید می‌آورد؛ منابع را محدود نمی‌داند؛ علل غیبی را در نظر می‌آورد و سود را در بهره اقتصادی منحصر نمی‌پندارد.

از دیدگاه علی^۷ انسان موجودی دوبعدی است و رفتارهای اقتصادی او نیز باید سمت و سوی الهی داشته باشد. این نگاه، آزادی فعالیت اقتصادی، عدم دخالت و مالکیت خصوصی گسترده را برنمی‌تابد. از جامعه‌شناسی امام علی، نظریه اصالت فرد و جامعه برمی‌آید. حاکمیت سنت‌های الهی بر جوامع انسانی، امری مورد تأکید حضرت است. شماری از این سنت‌ها بر رفتارهای اقتصادی مردم با جامعه و دولت یا سیاست‌های اقتصادی اثر می‌نهند. تقوا و ایمان می‌توانند پویایی

اقتصاد را تضمین کنند. شکر و توبه نیز درهای خزائن الهی را به سوی بندگان می‌گشایند. سنت الهی استدراج چنین معنا می‌دهد که گاهی خداوند به بندگان نافرمان خود نعمت می‌بخشد، نه به دلیل شایستگی آن‌ها، بلکه به جهت آزمایش و مجازات در روز موعود و این‌ها تفاوت اساسی با اقتصاد رایج سرمایه‌داری، دارد.

مقدمه

استقلال فکری ما در ساحت اقتصادی، آن گاه حاصل می‌شود که نظامی اقتصادی بر اساس جهان‌بینی، ارزش‌ها و اهداف اسلام، کشف و طراحی کنیم. اگر هدف نهایی در فعالیت‌های اقتصادی فقط پاسخ دادن به امیال مادی و شهوانی باشد، الگوهای رفتاری آن بسیار متفاوت از الگوهای رفتاری خواهد بود که هدف غایی آن، کسب رضایت خداوند متعالی باشد. حتی اگر جامعه، هدف میانی اقتصاد خود را گسترش عدالت اجتماعی و اقتصادی قرار دهد، الگوهای رفتاری آن متفاوت از جامعه‌ای خواهد بود که آمال و آرمان‌های فعالیت‌های اقتصادی‌اش برآوردن امیال مادی است.

نظام اقتصادی فعلی حاکم بر دنیا، بنیان‌های خود را بر اساس تفسیر خاصی از خدا، جهان، انسان و جامعه گذاشته، و بر اساس همین تفاسیر، انسان محوری را در همه فعالیت‌های اقتصادی اصل قرار داده، و نظام سرمایه‌داری لیبرال را طراحی و اجرا کرده است. در این نظام، الگوهای رفتاری در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، برخاسته از حقوق اقتصادی ویژه، و حقوق اقتصادی در بستر مبانی مکتبی نظام اقتصادی آن، شکل گرفته و مبانی مکتبی‌اش بر اساس دیدگاه خاصی که درباره مقوله‌های خدا، جهان، انسان و جامعه ارائه می‌دهد، سامان یافته است.

اگر دیدگاه‌های اسلام در مبانی فلسفی مربوط به نظام اقتصادی، با مبانی فلسفی نظام‌های دیگر اقتصادی متفاوت باشد که هست، باید بپذیریم که مبانی مکتبی، حقوق اقتصادی، الگوهای اقتصادی و در نتیجه، نظام اقتصادی اسلام با نظام‌های اقتصادی دیگر تفاوت خواهد داشت.

۱. مفاهیم و کلیات ۳

پیش از آغاز بحث، مفاهیم و واژه‌هایی را که در مقاله به کار می‌رود، تعریف می‌کنیم تا تلقی روشنی از آن‌ها داشته باشیم.

نظام اقتصادی: نظام اقتصادی، مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری است که شرکت‌کنندگان در نظام را به یک‌دیگر و به اموال و منابع براساس مبانی مشخص پیوند داده و در جهت اهداف معینی به نحو هماهنگ برای کسب بیش‌ترین توفیق اقتصادی سامان یافته است.

مبانی فلسفی نظام اقتصادی: منظور از آن، جهان‌بینی حاکم بر رفتار اقتصادی، و مشتمل بر قضایایی است که با کلمه «هست» یا «نیست» بیان می‌شود و موضوع آن خدا، انسان، جامعه، دنیا و آخرت است.

مبانی مکتبی نظام اقتصادی: مبانی مکتبی، مجموعه‌ای از قضایای کلی دستوری (بایدی) است که ویژگی‌های ذیل را دارد:

۱. زیربنای نظام و حقوق اقتصادی است؛

۲. برگرفته از مبانی فلسفی است؛

۳. در تعیین عناصر نظام اقتصادی و چگونگی ارتباط آن‌ها مؤثر است؛

۴. حرکت به سمت اهداف را زمینه‌سازی می‌کند.

اهداف نظام اقتصادی: اهداف، مقاصدی است که نظام اقتصادی برای رسیدن به آن طراحی شده، و برگرفته از مبانی فلسفی نظام اقتصادی است و به طور منطقی باید اهداف نظام با اهداف شرکت‌کنندگان در نظام هماهنگ باشد.

دو دیدگاه درباره نظام اقتصادی

درباره نظام اقتصادی، دو دیدگاه کاملاً متفاوت وجود دارد. بر اساس یک دیدگاه، بهترین و کاراترین نظام اقتصادی در عالم خارج موجود است. وظیفه متفکران اقتصادی فقط درک و کشف آن و هماهنگ شدن با آن است و باید از دخالت‌های ناروایی که سبب اختلال کارکرد آن می‌شود، پرهیز کرد.^۴

بر اساس دیدگاه دوم، نظام اقتصادی بر حسب ضرورت طبیعی و غریزی شکل نمی‌گیرد؛ بلکه دولت‌ها باید قوانین مربوط به فعالیت‌های افراد و سازمان‌ها را وضع، اجرا و پاسداری کنند تا زمینه تحقق نظام اقتصادی مطلوب فراهم آید.^۵ این مقاله بر اساس دیدگاه دوم تنظیم شده است.

مبانی فلسفی نظام‌های اقتصادی

حال با توجه به مقدمات مذکور، مهم‌ترین مبانی فلسفی تأثیرگذار بر نظام‌های اقتصادی (خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی) را با تأکید بر دیدگاه‌های امیر مؤمنان^۷ مطرح می‌کنیم.

خداشناسی

یکی از اساسی‌ترین مبانی فلسفی نظام سرمایه‌داری «دئیسم» است. بر اساس اعتقاد به دئیسم، خداوند همانند ساعت‌سازی است که جهان را مانند ساعت ساخته و آن را به حال خود رها کرده است و در آن هیچ‌گونه دخالت و هدایت تکوینی و تشریعی ندارد. خداوند، نظام طبیعی را که کارآمدترین نظام است، آفریده و خود به گوشه‌ای رفته است. نظام اقتصادی نیز جزئی از نظام

طبیعی است که خداوند در آن هیچ‌گونه دخالتی ندارد و از طریق هماهنگی افراد با نظام طبیعی که به وسیله «دست نامرئی» از ناحیه جست و جوی منافع مادی شخصی حاصل می‌شود، به بهترین وجه شکل می‌گیرد. اگر هر کس در فعالیت‌های اقتصادی خود فقط نظرش به حداکثر کردن لذت و منافع مادی شخصی باشد، منافع مادی اجتماعی، به خودی خود به حداکثر خواهد رسید؛ پس نظام اقتصادی که جزئی از نظام طبیعی جهان است، هیچ نیازی به دخالت یا هدایت تکوینی و تشریعی خداوند ندارد. ۶. این در حالی است که در جهان‌بینی اسلامی، خداوند در همه عرصه‌های جهان حضور فعال داشته، به‌طور پیوسته به امر آفرینش و هدایت تکوینی و تشریعی مشغول است و این امور در قالب روابطی تعریف می‌شود که برخی از آن‌ها به این قرار است.

۱. رابطه خدا با جهان طبیعت

یک. رابطه خالقیت

خدای متعالی جهان طبیعت را با همه اجزایش آفریده و خلقت همچنان استمرار دارد: آسمان‌ها و زمین و هر چیزی که در آن‌ها و بین آسمان و زمین قرار دارد، همه مخلوق خدای متعالی هستند و هیچ مانعی برای قدرت او وجود ندارد. ۷. از این بیان فهمیده می‌شود که جهان طبیعت، آفریده الهی است و خداوند یگانه آفریننده مستقل کل اشیای عالم است و هیچ‌چیز مانع قدرت او در آفرینش اشیا نیست. امام علی ۷ در کلامی به استمرار خلقت الهی تصریح دارد و می‌فرماید: سپاس خدایی را که هرگز مرگ او را فرامی‌گیرد و هر روزی، خلقت جدیدی دارد که پیش از آن

وجود نداشت. ۸.

دو. رابطه ربوبیت

در سخنان امام علی ۷ تدبیر امور عالم، فراوان به خداوند متعالی نسبت داده شده است. ۹.

سپاس خدایی را که ... انجام‌دهنده هر امری است که اراده می‌کند؛ دانای به امور غیب، آفریننده

آفریده‌ها و نازل‌کننده قطرات باران و تدبیرکننده امر دنیا و آخرت است. ۱۰

در نظر حضرت امیر، تدبیر الاهی چنان نفوذ دارد که گاهی باعث می‌شود تصمیم‌های دقیق

بندگان در هم ریزد و به سمتی حرکت کند که خواسته آنان نیست. ۱۱

سه. رابطه مالکیت

مقصود از مالکیت، مالکیت حقیقی است، نه مالکیت اعتباری. از دیدگاه امام علی ۷ تمام هستی

ملک حقیقی خدای بزرگ است: «له ما فی الارضین والسموات و ما بینهما». ۱۲؛ آنچه در زمین‌ها و

آسمان و بین آن دو وجود دارد، همه مال خدا است».

چهار. رابطه احاطه و سلطه

امیر مؤمنان ۷ در گفتار فراوانی، احاطه وجودی و علمی خدا را بر تمام موجودات جهان بیان

می‌کند. در برخی از آن‌ها فقط به احاطه وجودی، ۱۳ در بعضی دیگر، احاطه علمی، ۱۴ و در مواردی

نیز هم به احاطه علمی و هم وجودی اشاره شده است. ۱۵

خدای متعال، دانا به تمام اسرار عالم و ضمیر انسان‌ها است؛ بر همه چیز احاطه و غلبه دارد و توانا

بر هر امری است.

پنج. رابطه قیومیت

قیومیت خداوند، بیانگر آن است که خدا برپادارنده جهان هستی و قوام آن از او است. این مطلب

هم به نحو صریح و هم مفهوم آن در بسیاری از بیانات علی ۷ آمده است. ۱۶

همه چیز خشوع‌کننده خدا و قائم به او هستند. هم او بی‌نیازکننده هر فقیری و عزیزدارنده هر ذلیلی

است. ۱۷

شاید بتوان روابطی بیش از آنچه بین خدا و جهان هستی که در حوزه اقتصاد مؤثر باشد، از گفتار امام علی برشمرد؛ اما برای نشان دادن ویژگی‌های نظام اقتصادی از دیدگاه حضرت و تمایز آن از دیگر نظام‌های اقتصادی به همین مقدار بسنده می‌شود.

۲. رابطه خدا با انسان

هر چند روابط پیشین، شامل رابطه خدا و انسان نیز می‌شود، روابط اختصاصی نیز بین خداوند و انسان‌ها موجود است که در عرصه تحلیل‌های اقتصادی جایگاه ویژه‌ای دارد. به چند نمونه مهم آن اشاره می‌شود:

یک. هدایت تکوینی انسان

منظور از هدایت تکوینی هر موجودی، به فعلیت درآوردن استعدادها و به کمال رساندن آن موجود است. هر چند این هدایت تکوینی شامل همه موجودات عالم می‌شود، هدایت انسان در جایگاه کسی که رفتارهای اقتصادی او در سازمان دادن نوع نظام اقتصادی مؤثر است، منزلت ویژه‌ای در این بحث دارد. گفتار حضرت در این باب فراوان است ۱۸ که به ذکر یک نمونه بسنده می‌شود:

ای انسانِ آفریده شده در حد اعتدال!، ای آن‌که در تاریکی رحم‌ها و در پرده‌های تو در تو نگهداری‌ات کرده‌اند! آفرینش تو از گل خالص آغاز شد و در قرارگاهی مطمئن جایت دادند. تا زمانی معلوم و تا مدتی که بهره تو است، در شکم مادر خود می‌جنییدی و به دعوت کس پاسخ نمی‌گفتی و آواز کسی شنیدن نتوانستی؛ سپس، تو را از قرارگاهت بیرون راندند. به سرایی آمدی که هرگز آن را ندیده بودی و راه رسیدن به منافع آن را نمی‌شناختی. پس چه کسی تو را به کشیدن غذا از پستان مادر راه نمود و به تو آموخت که نیازها و خواسته‌هایت را از کجا طلب کنی؟ هیئات! آن که در شناخت صفات کسی که اندام و اعضا دارد، ناتوان است، از شناخت صفات آفریدگارش

ناتوان‌تر است و هر چه او را به صفات مخلوقاتش محدود کند، از شناخت او دورتر گردیده

است. ۱۹

هدایت تشریعی انسان، به معنای نشان دادن راه کمال و سعادت او است. چنان‌که گذشت، مکتب دئیسم که زیربنای فلسفی تفکر لیبرالیسم اقتصادی است، انسان را از هدایت تشریعی بی‌نیاز می‌داند، و اعلام می‌کند که عقل انسان به تنهایی قادر است هم سعادت و کمال خود را بشناسد، و هم توانایی کافی را در تشخیص راه وصول به آن دارد؛ اما آموزه‌های امام علی ۷ در بسیاری از خطبه‌های نهج‌البلاغه و دیگر منابع روایی، غیر از آن است. ۲۰ حضرت نیاز انسان به هدایت تشریعی جهت شناسایی کمال و سعادت انسان و همچنین راه وصول آن را به صراحت بیان می‌کند: خداوند، انبیای خود را فرستاد تا بیان‌کننده حق و سفیرانی بین خالق و مخلوق باشند. ۲۱

دو. رابطه رزاقیت

علی ۷ درباره رزاقیت خداوند مطالب فراوانی فرموده، و ابعاد گوناگون آن را بیان کرده است. در یک نگاه شاید بتوان چنین گزارشی ارائه کرد:

روزی انسان‌ها دو نوع است: روزی‌ای که انسان به دنبال آن می‌دود و روزی‌ای که به سراغ انسان می‌آید؛ حتی اگر انسان در پی آن نباشد. ۲۲ چون انسان‌ها مخلوق خداوند متعال هستند، خدا آن‌ها را دوست دارد و به آن‌ها روزی می‌دهد؛ ۲۳ بلکه بر خود لازم کرده است که روزیشان را عطا کند ۲۴ و توسعه در رزق و روزی مردم را مورد نظر خود قرار بدهد. ۲۵ همو به نحو عادلانه روزی آن‌ها را تقسیم می‌نماید. ۲۶

در نگاه حضرت، خداوند بزرگ روزی بندگان را تقدیر و اندازه‌گیری می‌کند ۲۷ و با توسعه و تضییق آن، انسان‌ها را در معرض آزمایش قرار می‌دهد؛ ۲۸ اما خداوند برای بندگان مؤمن خود

امتیاز دیگری قرار داده است و روزی آن‌ها را از مجراهایی که هیچ‌گاه گمانش را نمی‌برند (من

حيث لا يحتسب) می‌دهد. ۲۹

تقدیر روزی و تعیین و تقسیم آن به وسیله خداوند نه تنها با کار و تلاش منافاتی ندارد، بلکه از

دیدگاه حضرت، کار و تلاش یکی از اسباب و علل تعیین روزی است: «لِكُلِّ شَيْءٍ سَبَبٌ»؛ ۳۰ یعنی

هر چیزی سبب دارد. حضرت، ضمانت رزق، و لزوم کار و تلاش را نیز بیان می‌دارد:

خداوند روزی شما را بر عهده گرفته و شما را به تلاش فرمان داده است (قد تكفل لكم بالرزق و

أتم بالعمل) مبدا طلب چیزی را که برای شما بر عهده گرفته، از چیزی که بر شما فریضه کرده‌اند،

سزاوارتر جلوه کند، ۳۱

و سیره عملی امیر مؤمنان ۷ نیز به‌طور کامل مؤید این نظریه است. ۳۲

در یک نگاه

رابطه‌ای که امام علی ۷ بین خدای متعالی و جهان هستی و انسان ترسیم می‌کند، در مقایسه با

رابطه‌ای که نظام اقتصادی لیبرال به تصویر می‌کشد، تفاوت‌های اساسی دارد. از گفتار حضرت پیدا

است که فیض الاهی پیوسته در جهان هستی جریان دارد و جهان هستی و حلقه‌های خلقت آن

جریان آفرینش، مستمر بوده، همچنان ادامه دارد. آفریدگار این آفریده‌ها، خداوند حکیم و مدبر

است که به اقتضای حکمت الاهی، جهان هستی و حلقه‌های خلقت آن، با تدبیر پروردگار عالم در

جریان، و هدایت تکوینی خداوند در برگرفته همه موجودات هستی از جمله انسان است که این

هدایت، هم در صحنه‌های اقتصادی و هم غیراقتصادی جریان دارد. همچنین هدایت تشریعی، امری

مسلم و ضرور در جمیع رفتارهای انسان است و خدای بزرگ با ارسال پیامبران و کتاب‌های

آسمانی، راه وصول به سعادت دنیا و آخرت را به انسان نشان داده و جایگاه وحی را که یکی از

راه‌های دستیابی به سعادت است، در کنار حس و عقل، امری غیرقابل انکار می‌شمارد.

این گونه آموزه‌ها با دیدگاه دئیسم که آفرینش جهان را «آنی و لحظه‌ای» می‌پندارد و آفریدگار جهان را همانند معمار بازنشسته، دست بسته می‌داند که جهان و انسان را به حال خود رها ساخته تا بشر فقط با تجربه و عقل خود، راه سعادت را شناسایی کند و ببیماید، به‌طور کامل متفاوت است و این، تفاوت‌های فراوانی را در ساحت اقتصادی نمایان می‌سازد.

جهان‌شناسی

بر اساس دیدگاه فلسفی اقتصاد سرمایه‌داری لیبرال، خداوند، نظامی را در جهان طبیعت قرار داده است که طبق قاعده علی و معلولی عمل می‌کند. خدا علت محدثه آن است؛ اما علت مبقیه آن نیست و به صورت خودکار عمل می‌کند و همیشه کارآمدترین نظام، در عالم تکوین وجود دارد و پیروی و هماهنگی با نظام طبیعی، سعادت بشر را در همه ابعاد تضمین می‌کند. یگانه وظیفه‌ای که فیلسوفان و عالمان دارند، شناسایی و کشف آن نظام، آن‌گاه پیروی و هماهنگی با آن است.

تأثیر جهان‌شناسی لیبرالیسم بر اقتصاد

نگرش پیشین در عرصه جهان‌شناسی، آثار متعددی در حوزه اقتصاد دارد که برخی از آن‌ها بدین قرار است.

۱. اقتصاد و رفتارهای اقتصادی بشر نیز جزو طبیعت بوده؛ بنابراین، قوانین نظام طبیعی در این حوزه نیز جاری می‌باشد و تنها روش دستیابی به این نظام در عرصه اقتصاد، آزادی همگانی و رقابت کامل فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد؛ یعنی رقابت برای وصول به حداکثر سود و منافع شخصی، منافع جامعه را نیز به حداکثر می‌رساند.

۲. خداوند متعال در روند و تنظیم اوضاع اقتصادی، هیچ‌گونه نقش و دستوری ندارد.

۳. در تنظیم وضعیت اقتصادی، هیچ نهادی، حتی دولت، مجاز به دخالت نیست. ۳۳

گرچه مکانیزم بازار در مواجهه با بحران‌هایی اجتماعی و اقتصادی همانند جنگ جهانی، عدم توانایی خود را نشان داده و سبب شده تا نظام سرمایه‌داری لیبرال تعدیل، و به نظام ارشادی همراه با دخالت دولت تبدیل شود، این دخالت همواره به صورت یک استثنا و در حدی که اصول اساسی اقتصاد لیبرالیسم، همانند آزادی‌های فردی و مالکیت خصوصی، کم‌ترین تغییر را متحمل شود، پذیرفته شده است؛ چنان‌که هنوز هم کلاسیک‌ها، نئوکلاسیک‌ها و طرفداران مکتب پولی بر کارآمدتر بودن نظام لیبرال اصرار می‌ورزند.

جهان‌شناسی از دیدگاه امام علی ۷

در بحث پیشین، رابطه خدای متعالی با جهان، تبیین و مشخص شد که جهان با عنایت و تدبیر الاهی اداره می‌شود و قوام آن لحظه به لحظه به اراده و مشیت او وابسته است و این، جهان‌شناسی خاصی را به ما ارائه می‌دهد که در عرصه اقتصاد، رفتارهای ویژه‌ای را معرفی می‌کند که متفاوت از رفتارهایی است که نظام اقتصادی لیبرال ارائه می‌دهد؛ اما به برخی مشخصه‌های دیگر جهان از دیدگاه حضرت علی ۷ که در رفتارهای اقتصادی انسان تأثیر دارد، اشاره می‌شود: ۳۴

۱. هم جهان مادی و محسوس، و هم جهان غیب با عنایت و تدبیر الاهی اداره، و دوام و قوام آن، لحظه به لحظه به اراده خدای متعالی وابسته است.

۲. جهان، هدفدار خلق و اداره می‌شود و همه موجودات جهت تقرب به خداوند، او را تسبیح می‌گویند.

۳. بازگشت جهان آفرینش و همه اشیای آن، به سوی خداوند است.

۴. دنیا محل آزمایش، کشت، تمرین، مسابقه آمادگی، و جهان آخرت، جهان کیفر، پاداش، درو، و بهشت و جهنم، پاداش کیفر انسان‌ها است.

۵. جهان مادی و غیرمادی (غیب) قانون علی دارد و فیض الاهی از مسیر آن اسباب و علل جریان می‌یابد. علیت در جهان هستی، سلسله‌وار به خدای متعالی منتهی می‌شود و همه فرمان بردار مطلق اویند.

۶. جهان غیب، دارای خزائن ثابت، مجرد، و فناپذیر است.

پیامدهای جهان‌شناسی از دیدگاه حضرت علی ۷ در اقتصاد

پیامدهای طولی و عرضی این گونه نگاه به مقوله جهان، بسیار گسترده است که پرداختن به همه آنها نوشتاری گسترده و مستقل را می‌طلبد؛ اما برای نشان دادن تأثیر این نوع جهان‌شناسی، به برخی از پیامدهای آن در عرصه اقتصادی اشاره می‌شود.

۱. در تعریف نظام اقتصادی، بیان شد: «نظام اقتصادی، مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری است که شرکت‌کنندگان در نظام را به یک‌دیگر و به اموال و منابع پیوند می‌دهد و بر اساس مبانی مشخص، در جهت اهداف معینی به صورت هماهنگ سامان می‌یابد». وقتی انسان، جهان را تفسیر کند که محل آزمایش، و همه امور جهان بازگشت‌گاہشان خدای بزرگ است و در جهان هستی، علل غیرمادی وجود دارد که با فرمان‌برداری از خداوند سبب افزایش توان اقتصادی افراد می‌شود، به یقین رفتارهای اقتصادی که از چنین انسانی در حوزه تولید، توزیع و مصرف بروز می‌کند، بسیار متفاوت از رفتارهای اقتصادی انسانی خواهد بود که جهان را چنین نمی‌بیند و معتقد است: در جهان، نظام طبیعی بوده و یگانه معیار تعیین‌کننده نوع رفتار اقتصادی را هماهنگی با آن نظام می‌داند. نتیجه چنین وضعیتی در تفاوت در نظام اقتصادی آشکار خواهد شد.

۲. وقتی خدای بزرگ در جهان غیب، دارای خزائن غیبی باشد که محسوسات و امور مادی، مراتب نازله آن خزائن به‌شمار می‌رود و هر چه از آن خزائن نازل شود، هیچ گونه نقص و کاستی در آنها پدید نمی‌آید، روشن می‌شود که منابع اقتصادی جهان غیر محدود است؛ هر چند بالفعل (نازل شده)

مادی) محدود باشد؛ اما بر اساس مبانی فلسفی اقتصاد سرمایه‌داری لیبرال، امور غیرمادی و غیر قابل تجربه حسی هیچ گونه جایگاهی ندارد و آنان منابع اقتصادی موجود طبیعت را محدود و غیرقابل افزایش می‌دانند و در تعریف علم اقتصاد اظهار می‌دارند: «اقتصاد، تخصیص بهینه منابع محدود برای نیازهای نامحدود است».

از دیدگاه علی ۷ این منابع نامحدود و دست‌یافتنی است و خداوند می‌تواند در هر زمانی از خزائن غیب خود منابع مادی را بیفزاید.

۳. در جهان‌شناسی از دیدگاه امام علی ۷، نظام طبیعی موهوم فلاسفه اقتصاد سرمایه‌داری لیبرال دور از مشیت و اراده لحظه به لحظه خدای متعالی وجود ندارد و «دست نامرئی آدام اسمیت» از آستین نظام قیمت‌های بازار رقابت آزاد بیرون نمی‌آید تا پیام‌آور آزادی همگانی و رقابت کامل دور از دخالت تکوینی و تشریعی خداوند باشد؛ بلکه امور مربوط به حوزه اقتصاد همانند همه امور جهان مادی و غیرمادی در معرض فیض مستقیم و مستمر الهی بوده و در تنظیم امور اقتصادی به نحوی که خدای متعالی راضی باشد، هم اراده و مشیت تکوینی الهی دخالت دارد و هم به اراده تشریعی خدا نیاز است؛ بنابراین، دخالت دولت جهت تنظیم امور اقتصادی منطبق با اراده تکوینی و تشریعی خالق هستی برای دستیابی به سعادت دنیا و آخرت بشر، امری لازم و ضرور است. ۳۵

۴. اگر انسان دنیا را محل کشت محصول و جهان آخرت را محل برداشت آن بداند و عمل او بذر محصولی است که در دنیا کاشته می‌شود و بهشت محصول و سودی است که به انسان می‌رسد، سود و زیان در نظر انسان معنا و مفهوم دیگری می‌یابد. چه بسا ممکن است فرد مؤمنی در صحنه فعالیت‌های اقتصادی با زیانی مواجه شود؛ اما به رغم آن، جامعه سود ببرد و اسباب خشنودی یکایک جامعه فراهم شود؛ ولی آن فرد در یک برآیند بین سود آخرتی و زیان مادی دنیایی، سود

فراوانی برده، خود را سودمند ببیند. انسان در پرتو چنین باورهایی چه بسا از لذت‌های زودگذر مادی صرف نظر کند و با ایثار و فداکاری، مصالح جامعه را بر مصالح فردی خود ترجیح دهد. حداکثر کردن سود شخصی در فعالیت‌های اقتصادی، نشأت گرفته از حب‌الذات است که در نهاد هر انسانی نهفته؛ اما تفسیر سود به سود مادی اقتصادی مشکل بزرگی را در مسیر اقتصاد امروز جهان قرار داده است؛ چرا که در بسیاری مواقع جمع بین منافع مادی افراد و جامعه امری غیرممکن می‌نماید و دست نامرئی آدام اسمیت در قالب سیستم قیمت‌ها، توان حل چنین مشکلی را ندارد و افراد حاضر نیستند برای منافع عمومی و جامعه، از منافع خود چشم‌پوشند؛ بنابراین بین منافع فردی و عمومی تضاد و ناسازگاری شدیدی پدید می‌آید و روز به روز بر امکانات و توان افراد قوی افزوده می‌شود و افراد ضعیف و محروم، منتظر محرومیت و ضعف بیش‌تری خواهند بود، و این مشکل فقط با تفسیری که امیر مؤمنان ۷ از سود ارائه کرده، قابل حل است.

۵. از دیدگاه امام علی ۷ در جهان، از جمله در صحنه‌های اقتصادی دو نوع علت (علت مادی و غیبی) وجود دارد. همه علل مادی و غیبی فیض علت خود را در هر لحظه‌ای از خداوند می‌گیرند و خدا در هر لحظه‌ای می‌تواند هر علتی را از اثر بیندازد.

انسان‌شناسی

در اقتصاد سرمایه‌داری لیبرال ادعا می‌شود که به نظام‌سازی اقتصادی نیازی نیست، و بهترین نظام اقتصادی با آزادگذاشتن انسان‌ها در فعالیت‌های اقتصادی سامان می‌یابد و این دیدگاه در مباحث انسان‌شناسی ریشه دارد و به‌صورت عمده از سه اصل متأثر است.

۱. خویش مالکی

از دیدگاه فلسفه لیبرالیسم، انسان مالک مطلق خود، کار و اموال خویش است و هر گونه خواسته باشد می‌تواند مالش را مصرف کند. این دیدگاه، یکی از مبانی اعتقاد به آزادی فردی در عرصه اقتصادی و مالکیت خصوصی در نظام اقتصاد سرمایه‌داری لیبرال است.

۲. ارضای تمنیات و امیال نفسانی، انگیزه و هدف اقتصادی

هدف از تلاش انسان در عرصه اقتصادی، از امیال و تمنیات نفسانی‌اش سرچشمه می‌گیرد؛ بنابراین هر انسانی هر چیزی را که به نفع خویش می‌پندارد و هر روشی را که برای به دست آوردن آن مفیدتر می‌داند، برمی‌گزیند. این امیال در نهاد و طبیعت بشر نهاده شده است.

این تفسیر از انسان، گویا سبب شده است که نظام اقتصاد سرمایه‌داری لیبرال، حداکثرکردن منفعت مادی شخصی را یگانه هدف فعالیت‌های اقتصادی افراد معرفی کند؛ بلکه با این گونه معرفی کردن انسان، خواسته است افراد در کوشش‌های اقتصادی خود، فقط به دنبال چنین هدفی باشند.

۳. عقل انسان در خدمت شهوات او

عقل انسان خدمتگر شهوات او در برآوردن اهداف و امیال او است و هر کس بتواند از عقل خود استفاده ابزاری بیش‌تری کند، عاقل‌تر است.

وقتی حداکثر کردن سود شخصی، هدف فعالیت‌های اقتصادی افراد باشد و این هدف از امیال نفسانی انسان نشأت گرفته و عقل هم خدمتگزار امیال انسان در برآوردن هدفش باشد، باید بپذیریم: «تمام الگوهای علمی، مانند الگوی مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، هزینه و بازار از امور پیشین متأثر باشد» (۳۶). ۳۷

انسان‌شناسی از دیدگاه امام علی ۷

ویژگی‌های انسان الاهی، هدف از آفرینش و برخی ویژگی‌های دیگر انسان که از دیدگاه امیر مؤمنان علی ۷ می‌تواند در رفتارهای اقتصادی مؤثر باشد، از این قبیل است:

۱. فلسفه آفرینش انسان

در این دیدگاه، انسان نه برای دنیا، بلکه برای جهان آخرت آفریده شده است: «انما خُلِقْتُ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا»^{۳۸} و در آخرت، در معرض حسابرسی اعمال و نیت قرار می‌گیرد. انسان مؤمن در هر فعلی، بلکه در هر نیتی باید هدف غایی پیشین را در نظر داشته باشد؛ در نتیجه، چنین انسانی در ساحت فعالیت‌های اقتصادی هیچ گاه هدف از تلاش اقتصادی را رفاه مادی که خلاف دستورهای الهی باشد، قرار نمی‌دهد و در کل، نظام اقتصادی باید به نحوی سامان یابد که انسان را به هدف غایی آفرینش (بندگی خدای متعالی) نزدیک سازد. در اتخاذ سیاست‌های کلی اقتصادی جامعه به‌طور حتم باید به هدف کلی غایی توجه جدی شود. در نظام اقتصادی اسلام، عدالت اقتصادی هدف سیاسی است که در همه حال می‌تواند به‌صورت ابزاری برای هدف غایی پیشین مورد توجه سیاست‌گذاران اقتصادی باشد؛ بنابراین، پیگیری هدف خلقت انسان در فعالیت‌های اقتصادی در ابعاد خُرد و کلان، سبب تفاوت‌های پیشین در رفتارهای اقتصادی افراد و نظام اقتصادی از دیدگاه لیبرالیسم و امام علی ۷ خواهد شد.

۲. دو بعدی بودن انسان

حضرت امیر تصریح می‌فرماید که انسان از دو بعد مادی و روحی آفریده شده است: نیمی از او از خاک و نیم دیگرش از روح.^{۳۹}

از دیدگاه اسلام، تمایلات نفسانی و غرایز، اموری هستند که برای تکامل انسان در جهان مادی ضرورت دارند، و نباید آن‌ها را سرکوب کرد؛ چنان‌که نباید زمینه سرکشی آن‌ها را فراهم ساخت؛ بلکه باید آن‌ها را تعدیل کرد، و در اختیار عقل قرار داد و بدین گونه، راه سعادت را در دنیا و آخرت فراهم آورد.

عقل انسان همراه لشکر خدای رحمان است و شهوات و خواسته‌های نفسانی، رهبر لشکر شیطان شمرده می‌شود. نفس انسان، میان این دو قرار دارد. هر یک از این دو، نفس را به سوی خود می‌کشد. هر یک از آن دو لشکر، پیروز شود نفس انسان زیرفرمانش خواهد بود. ۴۰

در مبانی انسان‌شناسی لیبرالیسم، عقل، خدمت‌گزار تمایلات نفسانی و ابزاری برای رسیدن به آن‌ها است.

به یقین، این دو دیدگاه از انسان، سبب تفاوت‌های روشنی در اهداف فعالیت‌های اقتصادی خواهد شد. دیدگاه لیبرالیستی درباره انسان، مبنای ایدئولوژیک آزادی و رقابت کامل و عدم دخالت دولت در اقتصاد را در پی دارد؛ اما دیدگاه امام علی ۷ درباره انسان چنین الزامی را القا نمی‌کند.

۳. مالکیت خدا و منتخب و مسئولیت انسان

امام علی، جهان و همه موجودات آن را ملک طلق خدا می‌داند. انسان و تمام قوا و نیروهای روحی و جسمی او از آن خدا است. خدا انسان را آفرید و او را به صورت بهترین مخلوق خود برگزید و بار مسئولیت اطاعت و فرمانبرداری اختیاری را بر عهده او قرار داد. ۴۱

ویژگی مالکیت خدا بر جهان و انسان، و خلیفه و منتخب بودن انسان به طور منطقی دو نتیجه ذیل را به دنبال خواهد داشت:

۱. تصرف در مال و قوای جسمی و فکری انسان محدود به حدودی است که خدا مشخص می‌کند.
۲. انسان در برابر خداوند مسئول است؛ بنابراین اگر از حدود الهی تجاوز کند، مؤاخذه خواهد شد.

اصول بینشی اسلامی نیز مبنای ایدئولوژیک اصول اقتصادی متعددی چون مالکیت مختلط، آزادی در کادر محدود و دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی خواهد بود. ۴۲

جامعه‌شناسی

نظریه پردازان مکتب لیبرالیسم، مدافع نظریه اصالت فردی‌اند. بر اساس این نظریه، در عالم خارج، به حقیقت چیزی جز افراد که در هویت و اثر، مستقل از یک‌دیگرند، وجود ندارد و جامعه، امری اعتباری است و وجود حقیقی ندارد و انسان، در همه کوشش‌ها، مصالح فردی را مدنظر قرار می‌دهد و برای امری اعتباری نمی‌کوشد؛ پس همه سعی افراد باید برای برآوردن امیال شخصی سازماندهی شود و منافع و مصالح جامعه اعتباری، از رهگذر پیگیری منافع و مصالح افراد تأمین خواهد شد. مفاهیم اجتماعی را باید با توجه به مفاهیم دال بر افراد، رفتار و روابطشان تعریف کرد. همچنین نظم‌های اجتماعی باید بر اساس انگیزه، اعتقاد و قابلیت‌های فرد صورت پذیرد و این دیدگاه، تأثیر فراوانی بر الگوهای اقتصاد سرمایه‌داری گذاشته است.

در نقطه مقابل، بر اساس نظریه اصالت جامعه که در جوامع سوسیالیستی مطرح است، هویت و روح جمعی اصالت دارد. افراد وقتی درون جامعه قرار می‌گیرند، در پرتو آن، روح جمعی حاکم بر جامعه، هویت شخصی می‌یابد و احساسات، عواطف، تمایلات و اندیشه‌های آن‌ها شکل می‌گیرد. ۴۳

جامعه‌شناسی از دیدگاه امام علی ۷

دیدگاه امام علی ۷ درباره جامعه را در دو بخش پی می‌گیریم:

۱. فرد و جامعه از دیدگاه امام علی ۷

با مراجعه به سخنان حضرت امیر مشخص می‌شود که او در برخی سخنان، به اصالت فرد، و در بعضی دیگر به اصالت جامعه اشاره دارد. در دسته دوم، مردم و جامعه را مورد خطاب قرار می‌دهد. جامعه را در صورتی که هماهنگ با هم، اهداف مشترکی را دنبال کنند، مجرای فیض الاهی بر می‌شمارد: «إِنَّ يَدَا عَلِيٍّ الْجَمَاعَةُ؛ ۴۴ به درستی که دست خدا با جماعت است». در برخی سخنان امام علی ۷، جامعه چنان ویژگی‌هایی دارد که «اگر کسی از اعمال جامعه‌ای خشنود باشد، گویی

خود داخل کارهای آن بوده است. بر هر کس که همراه جماعت باطل باشد، دو گناه خواهد بود:

یکی گناه آن کار که مرتکب شد، و دیگری گناه خشنودی او به آن کار» ۴۵.

در عین حال، اصالت فرد نیز در منابع اسلامی و در سخنان حضرت مورد تأیید قرار گرفته است:

هر که عملش او را واپس دارد، نسبش سبب نشود که پیش افتد. هر که شرافت و حسب خود را از

دست بدهد، شرافت و حسب نیاکان سودش نکند؛ ۴۶

بنابراین، از دیدگاه امام علی ۷ هم افراد، هویت حقیقی و فردی دارند و هم هویت جامعه از

قدر مشترک و وجه غالب هویت افراد جامعه انتزاع می‌شود؛ یعنی افراد در جامعه دارای شخصیت

مستقل هستند، و در عین حال از یک‌دیگر اثر می‌پذیرند.

مسأله حائز اهمیت، نوع تفسیری است که در منافع فرد و جامعه ارائه می‌شود. در دیدگاه

لیبرالیستی، مقصود از منافع فردی، صرفاً منافع مادی فرد است که خواسته‌ها و تمایلات نفسانی، آن

را تعیین می‌کند؛ اما در نگرش امام، منافع فرد با توجه به اهداف عالی انسانی که همانا رسیدن به

قله رفیع عبودیت است، تعیین می‌شود. در جامعه اسلامی با صرف نظر کردن افراد از منافع مادی به

جهت رسیدن به منافع معنوی عالی‌تر، امکان تعارض بین منافع افراد و جامعه کم‌تر اتفاق می‌افتد و

اگر در مواردی چنین اتفاقاتی بیفتد، با اتخاذ سیاست‌هایی این مشکل به نفع جامعه اسلامی حل

می‌شود.

۲. سنت‌های الهی حاکم بر جوامع انسانی از دیدگاه امام علی ۷

مقصود از سنت‌های الهی یک سلسله قضایایی شرطی است که در صورت وجود شرط یا سبب،

جزا و مسبب هم حاصل خواهد شد. این قضایای شرطی از طبیعت زندگی انسان و رفتار او در

ارتباط با جهان پیرامونش استخراج می‌شود.

حضرت علی ۷ افزون بر بیان سنت‌ها، به نحو کلی و عام، موارد و نمونه‌های فراوانی از آن را بر می‌شمارد تا مردم و جوامع بشری با درک درست موضوع و موارد آن‌ها، راه سعادت و شقاوت خود را بیابند، و همچنین بدانند که سنت‌های الهی، اموری تصادفی و بدون برنامه نیستند و با اختیار و آزادی انسان‌ها منافاتی ندارند؛ بلکه بشر می‌تواند با شناخت سنت‌های الهی، به آینده بهتری امیدوار باشد و نیز خود را در معرض نابودی قرار ندهد. به تعدادی از این سنت‌های الهی که در سخنان حضرت وجود دارد و در رفتارهای اقتصادی مردم، جامعه یا دولت و سیاست‌های اقتصادی مؤثر است، اشاره می‌کنیم: ۴۷

تقوا و ایمان

جامعه‌ای که به تقوا آراسته می‌شود، از امدادهای غیبی بهره‌مند، و سختی‌ها از آن دور و برکات الهی بر آن نازل می‌شود.

هر کس که تقوا پیشه کند، رحمت قطع شده خداوند دوباره تجدید می‌شود و نعمت‌های الهی بعد از فرونشستن به جوشش درمی‌آیند و برکات تقلیل یافته فزونی می‌یابند. ۴۸

ایمان و تقوا، اعتقاد به حضور دائم ذات باری تعالی در همه امور اجتماع است و حاصل این ایمان و تقوا عبارت است از اخلاق کاری صحیح، معاملات درست، تولید مفید و کارآ، پرهیز از اسراف و تبذیر، عدالت در فعالیت‌های اقتصادی که به دنبال آن، اقتصادی پویا و بالنده پدید می‌آید و بی‌ثباتی درونی اقتصاد از بین خواهد رفت. ۴۹

عدل و قسط

اجرای عدالت، ضرورترین نیاز هر جامعه است. اساس عالم آفرینش بر عدل و حق پایدار است. امام علی ۷ در سخنانش برای عدل نقش محوری قائل است: به وسیله برقراری عدالت، برکات و نعمت‌های خدای متعالی فزونی می‌یابد. ۵۰

در عدالت گشایش است و آن‌که از دادگری به‌تنگ آید، از ستمی که بر او می‌رود، بیش‌تر به‌تنگ

می‌آید. ۵۱

یاری خدا

در قرآن، و روایات معصومان ۷ از جمله در سخنان امام علی ۷ فراوان آمده است که اگر کسی

خدای متعالی را یاری دهد، در مقابل، خدا نیز به او یاری خواهد رساند. تردیدی نیست که یاری

رساندن خدا جز عمل به دستورهای الهی در عرصه‌های فردی و اجتماعی نیست.

امیر مؤمنان در گفتاری می‌فرماید:

هرکسی اطاعت خدای متعالی را سرمایه خود قرار دهد، سودهای فراوانی بدون تجارت به‌دست

می‌آورد. ۵۲

شکرگزاری خدا

رابطه شکر با نعمت‌های الهی در روایات به ویژه در سخنان امام علی و همچنین در قرآن

فراوان آمده است. در بیش‌تر این کلمات اشاره به فزونی نعمت‌ها در ازای سپاسگزاری از خداوند

است. در مقابل، ناسپاسی سبب زوال نعمت می‌شود. ۵۳ یکی از نعمت‌های برجسته خداوند، مال

دنیا است که اگر شکر آن را بجا آوریم، و در راه درست از آن‌ها استفاده کنیم، خداوند بر اموال

انسان و جامعه، خواهد افزود و اگر در برابر این نعمت ناسپاسی صورت پذیرد، و آن‌ها را در غیر

مسیری که خدا خواسته است، به‌کار ببریم، زمینه زوال آن‌ها را فراهم کرده‌ایم.

توبه

یکی از اسباب و وسایل معنوی توبه است که آثار مادی و معنوی فراوانی را در پی دارد. با استغفار،

درهای خزائن زمین و آسمان به سوی بندگان خدا باز می‌شود و جامعه از فقر و بیچارگی رهایی

یافته، به سعادت و رفاه مادی نایل می‌شود.

استدراج

مقصود از استدراج آن است اگر به کسی نعمت‌های فراوان می‌رسد، همیشه به معنای خوب بودن او نیست؛ بلکه گاه به جهت مهلت دادن به بنده گناهکار است و هر چه گناه می‌کند، نعمت بیش‌تری به او می‌رسد تا شاید از راه نعمت دادن شرم کند و برگردد. خدا او را به حال خود وامی‌گذارد تا به عذاب بسیار سخت در دنیا یا آخرت یا هم در دنیا و آخرت مبتلا سازد. ۵۴ امام علی ۷ در این باره می‌فرماید:

هنگامی که خدای سبحان با وجود گناهانت نعمت‌هایش را پی‌درپی بر تو می‌فرستد، آن برای تو استدراج است. ۵۵

سنت‌های الهی در سخنان امیر مؤمنان ۷ فراوان آمده است و بیان تفصیلی و تحلیلی هر یک از گنجایش این نوشتار خارج است و به آن‌چه گذشت، بسنده می‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. آن چه آمد قسمت‌هایی از سخنان مقام معظم رهبری در پاسخ به جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه قم است (۸۱/۱۱/۱۶) که به تناسب مجله انتخاب و تیر زده شده است.

۲. عضو هیأت علمی گروه اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۳. جهت آشنایی بیش‌تر با این بحث، ر.ک: سیدحسین میرمعزی: نظام اقتصادی اسلام (مبانی

فلسفی)، اول، کانون اندیشه جوان، تهران، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۴ - ۲۷.

۴. ژید، شارل و ژیست، شارل: تاریخ عقاید اقتصادی، ترجمه کریم سنجابی، ج ۱، ص ۱۲۵.

۵. همان، ج ۲، ص ۶۲ و ۶۷.

۶. ر.ک: فریدون تفضلی: تاریخ عقائد اقتصادی، دوم، نشر نی، تهران، ۱۳۷۵ ش، ص ۸۷؛ ژید، شارل و ژیست، شارل: تاریخ عقائد اقتصادی، ترجمه کریم سنجابی، دوم، دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۸۳.

۷. الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۱۴۱، حدیث ۷.

۸. همان.

۹. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۳۰۸؛ ج ۱۳؛ ج ۵۷، ص ۱۶۶، ج ۱۰۴، ص ۱۰۷، ج ۹۰؛ ج ۳، ص ۲۷۲، ج ۹؛ ج ۹۴، ص ۹۶؛ ج ۱۲؛ ج ۴، ص ۳۱۹، ج ۴۵، ص ۳۱۷، ج ۴۱ و ص ۲۵۳، ج ۷؛ ج ۸۴، ص ۱۳۲، ج ۲۴.

۱۰. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۲۷، ش ۱۲۶۳؛ مصباح المتهجد، ص ۳۸۰، ش ۵۰۸.

۱۱. ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی: التوحید، ص ۲۸۸، ش ۶، کتاب الخصال، تصحیح و تعلیق: علی اکبر الغفاری، منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه قم المقدسه، الطبعة الرابعة، ص ۳۳، ش ۱.

۱۲. الحافظ ابن نعیم احمد بن عبد الاصفهانی: حلیة الاولیاء و طبقات الأصفیاء، دارالکتب العلمیه،

الطبعة الاولى، لبنان، ۴۰۹ ق / ۱۹۸۸ م، ج ۱، ص ۷۳؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۴۰۹، ش ۱۷۳۷.

۱۳. حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۷۲ و ۷۳، نهج البلاغه، خطبة ۸۲ و ۱۵۱؛ بحار الانوار، ج ۴، ص ۲۶۶، ج

۱۴، ص ۲۶۹، ج ۱۵، ص ۲۶۶، ج ۱۴.

۱۴. عبد الواحد محمد تمیمی آمدی: غرر الحکم و درر الکلم، شرح جمال الدین محمد خوانساری، با

مقدمه و تصحیح میرجلال الدین حسینی ارموی، چهارم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش، ج ۲،

ص ۴۴۴، ش ۵۰۵۳، ص ۵۰۳، ش ۳۴۴۷؛ ج ۴، ص ۵۳۸، ش ۶۸۹۱؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۲۸.

۱۵. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، سوم، انتشارات مشرقین، ۱۳۷۹ ش، خطبه ۱۸۶.

۱۶. نهج البلاغه، خطبه ۸۹، ۱۰۸، ۱۵۹؛ بحارالانوار، ج ۴، ص ۳۱۷، ح ۴۳، ص ۳۱۰، ح ۳۸، ص

۲۶۹، ح ۱۵، و ص ۲۲۱، ح ۲.

۱۷. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸؛ بحارالانوار، ج ۴، ص ۳۱۷، ح ۴۳.

۱۸. بحارالانوار، ج ۵۸، ص ۱۰، ح ۸؛ ج ۶۰، ص ۳۴۷، ح ۳۴؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۶۲.

۱۹. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۲.

۲۰. همان، خطبه ۱، ۲۰، ۲۶، ۷۲، ۸۱، ۸۳، ۹۱، ۹۴، ۹۵، ۹۸، ۱۴۴، ۱۸۳.

۲۱. غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، ص ۹۹، ش ۵۴۳۳.

۲۲. ر.ک: نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱.

۲۳. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۳۴۰، ش ۲۸؛ ابن ابی الحديد: شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۱۴۱.

۲۴. ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸.

۲۵. التوحيد، ص ۲۳۲، ش ۵؛ بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۱۰۷، ح ۹۰.

۲۶. ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۸۹.

۲۷. غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، ص ۹۵، ش ۵۴۲۳؛ نهج البلاغه، خطبه ۹۰.

۲۸. ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۹۰.

۲۹. غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۵۳۹، ش ۳۵۳۳.

۳۰. محمد ری شهری: میزان الحکمه، اول، انتشارات دارالحديث، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۱۲۳۲، ش

۸۱۶۸

۳۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳.

۳۲. دانشنامه امام علی ۷، ج ۷، مقاله «سیره اقتصادی علی ۷»، نوشته سیدرضا حسینی، ص ۲۳۵.

۳۳. ر.ک: تفضلی، فریدون: تاریخ عقائد اقتصادی، ص ۷۰ و ۸۶؛ شارل ژید - ژیس: تاریخ عقائد

اقتصادی، ج ۱، ص ۱۴، ۸۳ - ۱۳۵.

۳۴. ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۲۳، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۹۰، ۱۴۳، ۱۵۳، ۱۸۱، ۱۸۲؛ بحارالانوار،

ج ۷۷، ص ۳۱۰، ح ۱۴، ص ۴۰۱، ح ۳۸؛ ج ۷۸، ص ۵، ح ۵۵؛ غررالحکم، ج ۶، ص ۸۰، ش

۹۶۰۶، ج ۵، ص ۱۰۳، ش ۷۵۶۱.

۳۵. جهت آشنایی بیشتر با فلسفه و ضرورت دخالت دولت در اقتصاد از دیدگاه امام علی ۷ ر.ک:

مقاله «دولت و سیاست‌های اقتصادی از دیدگاه امام علی ۷» نوشته آقای دکتر گیلک، در دانشنامه

امام علی ۷، ج ۷، ص ۳۱۵.

۳۶. ر.ک: سیدحسین میرمعزی: نظام اقتصادی اسلام (مبانی فلسفی)، ص ۴۸.

۳۷. مطالب این بخش، از منابع زیر تنظیم شده است: آنتونی آربلاستر: ظهور و سقوط لیبرالیسم

غرب، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز، اول، ۱۳۷۶ ش، ص ۱ - ۱۲۶؛ عبدا نصری: آزادی در خاک،

مجله قیاسات، سال دوم، ش ۵ و ۶، ص ۶۴ به بعد؛ سیدحسین میرمعزی: نظام اقتصادی اسلام

(مبانی فلسفی)، ص ۴۳ - ۴۹.

۳۸. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۳۹. بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۱۲۲، ح ۵۶ و ۱۲۲؛ جواهرالمطالب، ج ۲، ص ۱۶۱، ش ۱۳۷؛

نهج البلاغه، خطبه ۱.

۴۰. میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۰۳۸، ش ۱۳۳۷۹.

۴۱. حلیه الاولیاء، ج ۱، ص ۷۳؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۴۰۹، ش ۱۷۳۷.

۴۲. شایان توجه است که این نتایج سه گانه به طور مستقیم از ویژگی خلیفه خدا و مسؤول بودن

انسان بر نمی آید؛ بلکه این دو ویژگی اقتضا دارد که انسان مسلمان این سه مطلب را از دستورهای

الاهی کشف کند که با مراجعه به این دستورها چنین می یابد.

۴۳. در تنظیم مطالب این بخش از منابع زیر استفاده شده است:

دانیال لیتل: تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، اول، مؤسسه فرهنگی

صراط، ۱۳۷۳ ش، ص ۳۱۱ به بعد؛ سیدحسین میرمعزی: نظام اقتصادی اسلام (مبانی فلسفی)، ص

۴۹ - ۵۵؛ ظهور و سقوط لیبرالسیم، ص ۵۵ - ۸۰

۴۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷.

۴۵. همان، حکمت، ۱۴۶.

۴۶. همان، حکمت، ۳۷۸.

۴۷. این امور به معنای منطقی متباین نیستند؛ بلکه ممکن است عام و خاص مطلق یا من وجه نیز

باشند. چون هر یک اهمیت خاصی دارند، ذکر آنها لازم به نظر می آید.

۴۸. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۹۸، ص ۴۱۴.

۴۹. ر.ک: عباس میرآخور: «ویژگی های نظام اقتصاد اسلامی»، مقالاتی در اقتصاد اسلامی، ص ۸۳.

۵۰. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۵۶، ش ۱۷۰۲.

۵۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۵.

۵۲. غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ص ۳۸۵، ح ۸۸۶۴.

۵۳. همان.

۵۴. ر.ک: غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، ص ۶۸، ش ۵۳۱۸ و ص ۵۵۰، ش ۶۹۴۳؛ ج ۳، ص ۱۳۲ و

۱۳۳، ش ۴۰۴۷.

۵۵. همان، ج ۳، ص ۱۳۲، ش ۴۰۴۷.